

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره پنجاه و هشتم، پاییز ۱۳۹۹: ۴۴-۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

کاربردی‌شدگی فعل «گفتن» در فارسی نو

مهرداد مشکین‌فام*

الهام ایزدی**

چکیده

یکی از فرایندهای تغییر زبانی، کاربردی‌شدگی است و از جمله محصولات این فرایند، گفتمان‌نماها هستند. گفتمان‌نماها عناصر زبانی هستند که کلام را یکپارچه می‌کنند و به گفتمان اجازه انحراف از مسیر اصلی خود را نمی‌دهند. هدف این مقاله، بررسی کاربردی‌شدگی فعل «گفتن» در فارسی نو است. به منظور بررسی دقیق‌تر، فارسی نو را به دو دوره مجزا تقسیم کرده‌ایم؛ فارسی نو متقدم (از قرن چهارم تا اواخر هفتم) و فارسی معاصر. در فارسی نو متقدم، فعل «گفتن» در مقام فعل اصلی واژگانی در معناهای «بیان کردن» و «نامیدن» کاربرد داشته است و بیان‌کننده مفهوم وجهیت استقرایی نیز بوده و در ساخت‌های غیرشخصی شرکت می‌کرده است. این جزء زبانی در فارسی معاصر با حفظ نقش‌های قبلی از رهگذر فرایند کاربردی‌شدگی به گفتمان‌نما تبدیل شده است. در این نقش متأخر، فعل «گفتن» به صورت‌های «می‌گم» و «بگو» درآمده است و نقش‌های «شروع گفتمان»، «تغییر موضوع» و «اشاره به اطلاعات جدید در گفتمان» را بر عهده دارد. بسامد وقوع گفتمان‌نمای «می‌گم» بیشتر از گفتمان‌نمای «بگو» است. داده‌های این پژوهش، مستخرج از کتاب‌های نگاشته‌شده به زبان فارسی نو متقدم، اینترنت و

* نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، ایران

m.meshkinfam@alumni.basu.ac.ir

e.izadi@alumni.basu.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، ایران



فیلم‌های تلویزیونی است. از آن‌جا که گفتمان‌نماها بیشتر در گونه گفتاری یافت می‌شوند، در فارسی معاصر برای بررسی نقش متأخر گفتمان‌نمایی «گفتن» فیلم‌های تلویزیونی برگزیده شدند.

واژه‌های کلیدی: فعل «گفتن»، کاربرد شدگی، گفتمان‌نما، وجهیت، فارسی‌نو، نقش‌گرایی.

مقدمه

زبان همواره به دلایل متفاوتی در طول زمان تغییر می‌کند. یکی از این تغییرات که در برخی بافت‌های زبانی خاص شاهد آن هستیم، فرایند تاریخی تغییر زبانی کاربردی‌شدگی^۱ است. در فرایند کاربردی‌شدگی یک صورت واژگانی در یک بافت خاص تهی از معنای گزاره‌ای خود می‌شود و معنای فرارتاباطی تعاملی^۲ کسب می‌کند (Frank-Job, 2006:397). منظور از معنای فرارتاباطی تعاملی این است که جزء کاربرد شده تنها ایفاکننده یک نقش در نظام زبان نیست؛ بلکه نقش‌های متفاوت جدیدی را کسب می‌کند. این نقش‌های کسب‌شده متفاوت فرازبانی‌اند؛ یعنی معنای آنها افزون بر چیزی است که بیان می‌شود. یکی از محصولات فرایند کاربردی‌شدگی گفتمان‌نما^۳ است، به این معنا که ساخت‌های زبانی متفاوت از رهگذر این فرایند به گفتمان‌نما تبدیل می‌شوند. گفتمان‌نماها، کلام را یکپارچه می‌سازند و بین گزاره‌های^۴ کلام ارتباط خاصی برقرار می‌کنند تا پردازش زبانی را تسهیل کنند. این عناصر زبانی معنای گزاره‌ای ندارند و با شرایط صدق و کذب قابل توصیف نیستند؛ بلکه گفتمان را در مسیر درست هدایت می‌کنند تا شنونده درک ساده‌تر و منسجم‌تری از پیام داشته باشد. این عناصر زبانی نقش‌های بسیاری را در زبان ایفا می‌کنند. تا کنون پژوهشگران بسیاری به مطالعه این عناصر زبانی پرداخته‌اند (برای مثال، Halliday and Hasan, 1976; Haberlandet, 1982; Erman, 1992; Blackemore, 1987; Schiffrin, 1987; Merritt, 1984; Levinson, 1983; Bell, 2009; Muller, 2005; Croucher, 2004; Blackemore, 2002; Holmes, 1995; Mascheler, 2009; Urgelles-Coll, 2010; Heine, 2013; Hongwei Zhao, 2014). اما بیشتر پژوهش‌ها به مطالعه هم‌زمانی گفتمان‌نماها پرداخته‌اند و به تکوین آنها کم‌تر توجه داشته‌اند. در این پژوهش، به بررسی تکوین گفتمان‌نمای «گفتن» در فارسی نو از رهگذر کاربردی‌شدگی می‌پردازیم. جمله گفتاری زیر نمونه‌ای از کاربرد گفتمان‌نماها در فارسی معاصر است:

۱. حاجی رو کرد به او و گفت: فردا همین وقت بیا خبرش را میدم. پس یادت نره سجل

-
1. Pragmaticalization
 2. Metacommunicative
 3. Discourse marker
 4. Proposition

احوال خودت و همراهانت را هم بیار تا من هر چه زودتر اقدام کنم (هدایت، ۱۳۳۰: ۲۴).
در نمونه فوق با بهره‌گیری از گفتمان‌نمای «پس» بر روی «آوردن سجل احوال» تأکید شده است؛ زیرا قبل از این جمله یک بار آوردن آنها بیان شده است و دوباره با استفاده از گفتمان‌نمای «پس» بر روی این مورد تأکید می‌شود که آوردن سجل احوال خودت و همراهانت فراموش نشود.

در این پژوهش، فرضیه ما این است که فعل «گفتن» در فارسی نو علاوه بر ایفای نقش‌های دستوری، کاربردی شده و نقش‌های جدیدی را نیز در مقام گفتمان‌نما کسب کرده است. بنابراین، در پژوهش حاضر براساس معیارهای کاربردی‌شدگی به بررسی این مهم خواهیم پرداخت. در واقع، به این پرسش پاسخ خواهیم داد که «آیا فعل «گفتن» در فارسی نو کاربردی شده است؟». در صورت مثبت بودن پاسخ، برآنیم تا نقش‌های متفاوت فعل «گفتن» را در فارسی نو^۱ بررسی کنیم.

پیشینه پژوهش

همان‌طور که ذکر شد، بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته در مورد گفتمان‌نماها، هم‌زمانی هستند و مطالعه گفتمان‌نماها از دیدگاه در زمانی کم‌تر مورد توجه پژوهشگران بوده است. برای پرهیز از اطناب، از هر دو نوع پژوهش هم‌زمانی و در زمانی، تنها مواردی را ذکر می‌کنیم. از پژوهش‌های هم‌زمانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
آرام و مشکین‌فام (۱۳۹۷) در یک پژوهش هم‌زمانی، به بررسی نقش‌های گفتمان‌نمای «خُب» در گفت‌وگوهای روزمره فارسی‌زبانان براساس پیکره‌ای متشکل از سه فیلم تلویزیونی «پنج تا پنج»، «یه بلیت شانس» و «عمو جان هیتلر» پرداخته‌اند. آنها این گفتمان‌نما را طبق الگوی دولایه‌ای برینتون (۱۹۹۶) مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتایج رسیدند که اولاً گفتمان‌نمای «خُب» طبق الگوی برینتون (۱۹۹۶) بیشتر در فرانش بینافردی ایفای نقش می‌کند و دوم اینکه، بیشترین نقش این گفتمان‌نما طبق الگوی برینتون در گفتار روزمره زبان فارسی متضمن واکنش (فرصت برای پاسخ دادن) است.

لوینسون (۱۹۸۳) - شاید بتوان گفت برای اولین بار - تحت عنوان مقوله‌های اشاری در گفتمان وجود کلمات و عبارت‌هایی را در زبان مطرح کرده است که نقش آنها نشان‌دادن رابطه بین یک گفته و گفته قبلی است. وی تأکید می‌کند این کلمات و عبارات در شرایط صدق و کذب پاره‌گفتار میزبان خود نقشی ندارند و از قرار معلوم تنها نشان می‌دهند که پاره‌گفتار میزبان آنها به شکلی ادامه گفتمان جاری است یا واکنشی به بخشی از گفتمان قبلی می‌باشد. بر این اساس باید آنها را در چارچوب‌های گفتمانی و کاربردشناختی مطالعه کرد.

برخی پژوهش‌ها نیز به مسئله چگونگی تکوین گفتمان‌ها پرداخته‌اند. پژوهش‌های زیر نمونه‌هایی از این قبیل پژوهش‌ها هستند: نغزگوی کهن و مشکین‌فام (۱۳۹۹) به بررسی نقش‌های متفاوت واژه «پس» در دوره‌های مختلف زبان فارسی، از فارسی باستان تا فارسی معاصر پرداخته‌اند. آنها اظهار می‌دارند جزء «پس» طی گذر زمان هم تحت تأثیر دستوری‌زدایی قرار گرفته است و هم دستوری‌شدگی. با دستوری‌زدایی این جزء به صورت کلمه آزاد درآمده است و با تبدیل آن به اسم راه برای تبدیل این جزء به پیش‌افزافه و شبه‌وند از رهگذر دستوری‌شدگی هموار شده است. دستوری‌شدگی بیشتر «پس» موجب کاربرد آن در مقام کلمه ربط علی شده است. در نهایت، در فارسی معاصر با کاربردی‌شدگی کلمه ربط علی «پس» در بعضی از بافتها، این جزء تبدیل به گفتمان‌ما شده است و در مقام گفتمان‌ما نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌کند.

برینتون (۲۰۰۶) به بررسی تکوین گفتمان‌ماهای انگلیسی پرداخته است. وی سه مسیر اصلی تکوین گفتمان‌ماها را به صورت زیر ارائه می‌دهد:

۱. قید/پیش‌افزافه < کلمه ربط < گفتمان‌ما
۲. قید گزاره‌ای ۱ < قید جمله < گفتمان‌ما
۳. بند اصلی ۲ < بند اصلی منفصل < گفتمان‌ما

مبانی نظری

از آن جا که موضوع این پژوهش کاربردی‌شدگی فعل «گفتن» در فارسی نو است و

1. Predicate adverb
2. Matrix clause

یکی از محصولات فرایند کاربردی‌شدگی، گفتمان‌نما است، در این بخش ابتدا به تشریح فرایند کاربردی‌شدگی و سپس گفتمان‌نما می‌پردازیم.

کاربردی‌شدگی

فرایند کاربردی‌شدگی یک فرایند تغییر زبانی است که از رهگذر آن یک ساخت زبانی معمولاً به گفتمان‌نما^۱ تبدیل می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌هایی که عنصر زبانی کاربردی‌شده کسب می‌کند، در زیر آورده شده است (Heine, 2013):

۱- آزادی نحوی^۲: یعنی دیگر محدودیت نحوی ندارد و به راحتی می‌تواند در بافت مورد نظر جابه‌جا شود (Frank-Job, 2006: 400). در واقع، عنصر کاربردی‌شده رابطه^۳ سستی با گفتمان پیدا می‌کند.

۲- افزایش حوزه معنایی و کاربردی^۴: عنصر کاربردی‌شده نقش‌های متفاوتی کسب می‌کند و حوزه‌ای فراتر (از بند) را پوشش می‌دهد (Brinton & Traugott, 2005:138). عنصر کاربردی‌شده گاهی نقش‌های قبلی دستوری و واژگانی خود را حفظ می‌کند. این همان ویژگی واگرایی^۵ هاپر^۶ (۱۹۹۱) است (همچنین ر.ک: نغزگوی کهن، ۱۳۹۵ الف).

۳- اختیاری بودن^۷: عنصر کاربردی‌شده قابل حذف است؛ یعنی با حذف عنصر کاربردی‌شده از گفتمان، خللی در معنای گفتمان به وجود نمی‌آید و گفتمان مورد نظر غیردستوری نمی‌شود.

۴- جدایی نوایی^۷: گفتمان‌نما دارای استقلال نوایی از کل گفتمان است. به این معنا که تکیه و آهنگ این عناصر گفتمانی با کل گفتمان متفاوت و منحصر به فرد است. در این پژوهش، با بهره‌گیری از این معیارها، به بررسی کاربردی‌شدگی فعل «گفتن» در فارسی معاصر می‌پردازیم.

گفتمان‌نما

گفتمان‌نماها واحدهای زبانی در سطح گفتمان و از طبقات مختلف دستوری‌اند که برای پیوند اجزای مختلف کلام به کار می‌روند. این عناصر زبانی در گفتمان به گوینده

1. Discourse marker
2. Syntactic freedom
3. Scope extension
4. Divergence
5. Hopper
6. Optionality
7. Prosodic isolation

اجازه بیان و به شنونده اجازه درک مطلب را می‌دهند. اون زحر^۱ (۱۹۸۲: ۱۸۰۰) اظهار می‌کند که در یک کلام مشخص، گفتمان‌نماها رمزگذار^۲ و رمزگشا^۳ را یاری می‌دهند تا گفتمان را هدایت کنند.

گفتمان‌نماها برخلاف این که از نظر دستوری اختیاری و از نظر معنایی تهی هستند، اهمیت زیادی برای مطالعه دارند؛ به این علت که از منظر کاربردشناختی، نقش‌های متفاوتی دارند که بیان‌کننده آن است که این نقش‌ها نه اختیاری‌اند و نه زائد (Brown, 1977: 107; Svartvik, 1979: 171; Erman, 1987: 2). حذف گفتمان‌نماها از کلام، آن را غیردستوری نخواهد کرد اما کلام، غیرطبیعی، غیرفنی، بی‌ربط، گستاخانه و غیردوستانه تلقی می‌شود. چنین کلامی برای گوینده تکلیف غیرممکن و برای شنونده، درک‌نشدنی است (Svartvik & Stenström, 1985: 352). تکلیف غیرممکن، کلامی بدون عناصر گفتمان‌نمایی است که وجود آن امکان‌پذیر نیست و دارای اشکال است؛ در واقع، کلام بدون این عناصر درهم‌شکسته خواهد شد (Fraser, 1990: 390). در زیر نمونه‌ای از کاربرد گفتمان‌نماها را مشاهده می‌کنید:

Train companies offer discount to students. By the way, have you booked your ticket? (urgelles-Coll, 2010: 23)

«شرکت‌های قطار به دانش‌آموزان تخفیف می‌دهند. راستی، شما بلیت رزرو کرده‌اید؟»

در نمونه بالا، با حذف گفتمان‌نمای «by the way» که نقش تغییر موضوع را دارد، کلام غیردستوری نمی‌شود، اما ابزار تغییر موضوع دیگر وجود نخواهد داشت و در نتیجه باعث می‌شود کلام درک‌نشدنی و بی‌ربط شود.

شیوه پژوهش

در این پژوهش، به دنبال بررسی این مهم هستیم که آیا فعل «گفتن» در فارسی نو علاوه بر نقش‌های دستوری، کاربردی شده و به گفتمان‌نما تبدیل شده است یا خیر؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند استخراج نقش‌های متفاوت فعل «گفتن» در فارسی نو است. بر این اساس، یک پیکره زبانی لازم است. منظور از فارسی نو، از زمان شروع دوران

1. Even-Zohar
2. Encoder
3. Decoder

اسلامی تا کنون است. اما در این پژوهش برای بررسی دقیق‌تر، فارسی‌نو را به دو دوره مجزای فارسی‌نو متقدم (از قرن‌های اولیه هجری تا اواخر قرن هفتم) و فارسی معاصر تقسیم کرده‌ایم.^۱ پیکره زبانی منتخب فارسی‌نو متقدم این پژوهش از کتاب‌های نگاشته‌شده به زبان فارسی‌نو متقدم برگزیده شده است، زیرا در این دوره از زبان فارسی داده دیگری جز داده مکتوب دردسترس نیست. این پیکره زبانی عبارت است از: «رساله آثار علوی» نوشته مظفر اسفزاری، «التفهیم» به قلم ابوریحان بیرونی، «تاریخ بیهقی» نگارش ابوالفضل بیهقی، «صیدنه» نوشته ابوریحان بیرونی، «هدایت‌المتعلمین» به قلم ابوبکر الخوینی البخاری و «دانش‌نامه‌عالی» (طبیعیات) تألیف شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا. از آن‌جا که در فارسی معاصر داده گفتاری نیز دردسترس است و گفتمان‌نماها خاص گونه گفتاری هستند، پیکره منتخب فارسی معاصر این پژوهش به این شرح است: فیلم‌های تلویزیونی «یه بلیت شانس»، «پنج تا پنج» و «عمو جان هیتلر» و اینترنت با استفاده از موتور جست‌وجوی گوگل استخراج شده‌اند؛ به این صورت که کلیدواژه «گفتن» را در این موتور جست‌وجو قرار داده و کاربردهای عینی این عنصر زبانی را استخراج کرده‌ایم. تمام نقش‌های گفتمان‌نمایی «گفتن» و بسامد وقوع آن‌ها مستخرج از این سه فیلم تلویزیونی هستند. کل این پیکره‌ها برای یافتن نقش‌های مختلف «گفتن» بررسی شده است. واحدهای زبانی مورد بررسی در این پیکره‌های منتخب، گفتمان است. به این معنا که تمام مواد زبانی‌ای که بافت تأثیرگذار «گفتن» به حساب می‌آیند تا یک گزاره کامل و معنادار شکل بگیرد، بررسی شده‌اند.

پس از استخراج همه نقش‌های فعل «گفتن» در پی این مهم هستیم که از چه دوره زمانی در زبان فارسی در بین نقش‌های دستوری «گفتن»، نقش کاربردی نیز برای این عنصر زبانی مشاهده می‌شود. در اولین دوره که به این نقش‌ها بربخوریم «گفتن» را با معیارهای فرایند کاربردی‌شدگی می‌سنجیم تا نشان دهیم «گفتن» از رهگذر این فرایند تغییر زبانی به گفتمان‌نما تبدیل شده است. نقش‌های گفتمان‌نمایی «گفتن» را به تفصیل بررسی خواهیم کرد.

۱. برای توضیح بیشتر در مورد ادوار مختلف زبان فارسی ر.ک: صادقی، ۱۳۷۵: ۵۳-۱.

نقش‌های فعل «گفتن» در فارسی نو

در این بخش، نقش‌های متفاوت فعل «گفتن» را به تفکیک در فارسی نو متقدم و فارسی معاصر معرفی خواهیم کرد.

فعل «گفتن» در فارسی نو متقدم

در این بخش به تفکیک به معرفی نقش‌ها یا معناهای فعل «گفتن» در فارسی نو متقدم می‌پردازیم. فعل «گفتن» در این دوره در مقام فعل اصلی واژگانی و بیان‌کننده مفهوم وجهیت است و همچنین در ساخت غیرشخصی شرکت می‌کند.

«گفتن» در مقام فعل اصلی واژگانی

در فارسی نو متقدم فعل «گفتن» در مقام فعل اصلی واژگانی در معنای «بیان کردن» و «نامیدن» است. در زیر شواهدی را از هر دو معنا از پیکره منتخب استخراج کرده‌ایم:

۱. رازی گوید منبت او در شهرهای سردسیل بود^۱ (ابوریحان بیرونی، ۱۳۵۸: ۵۷۵).
 ۲. آنچه دیگران میگویند مرا قانع ننموده (اسفزاری، ۱۳۵۶: ۹۳).
 ۳. و بیکجا گوییم و هرچه از اصول بایست مر علم طبیعی را (ابن سینا، ۱۳۳۱: ۲).
 ۴. اکنون بکدرم ازین و بکندن شکم مشغول شوم کی ورا بیونانی دوسنطاریا کویند (الخوینی البخاری، ۱۳۴۴: ۴۰۳).
 ۵. آن را بخار گویند (اسفزاری، ۱۳۵۶: ۱۰).
 ۶. باقلی را اهل مصر فول گویند (ابوریحان بیرونی، ۱۳۵۸: ۹۶).
- در نمونه‌های ۱ تا ۳ فعل «گفتن» به معنای «بیان کردن» و در نمونه‌های ۴ تا ۶ به معنای «نامیدن» است.

همچنین فعل «گفتن» در مقام فعل اصلی واژگانی، در ساخت غیرشخصی نیز شرکت دارد. ساخت‌های غیرشخصی، از نظر نقش‌گرایان ساخت‌هایی هستند که کنشگر در آنها کم‌رنگ جلوه داده شده‌است و از دیدگاه ساخت‌گرایان، ساخت‌هایی هستند که فاقد نهاد یا ویژگی‌های دستوری نهاد مانند تصریف فعل هستند (Malchukov & Siewierska, 2011: 2). در واقع فعل در ساخت‌های غیرشخصی، شخص خاصی را نمی‌رساند^(۱).

۱. در این پژوهش، شیوه نگارش منبع اصلی حفظ شده و تغییری در آن داده نشده است.

ساخت‌های غیرشخصی زیر از پیکره استخراج شده‌اند:

۷. گفتند عدد ایشان پانزده هزار است (بیهقی، ۱۳۸۳: ۳۲۷).

۸. از بوست کف دست کویند از همه سردتر بلغم است (الخوینی البخاری، ۱۳۴۴: ۱۴۰).

۹. و گفته‌اند لون قلقدیس سرخ باشد که به رنگ آتش مشابهت دارد (ابوریحان بیرونی،

۱۳۵۸: ۳۰۲).

در نمونه‌های ذکرشده، کنشگری در جمله‌ها دیده نمی‌شود و همه افعال به صورت سوم شخص جمع به کار رفته‌اند؛ به این معنا که این افعال در این نقش صرف نمی‌شوند و این شخص (سوم شخص) حالت بی‌نشان است، زیرا شخص خاصی را نمی‌رسانند.

«گفتن» در مفهوم وجهیت

در فرهنگ معین و لغت‌نامه دهخدا برای کلمه «گویی» نقش قیدی و به معنای «گویا» یا «پنداری» ذکر شده است. مشخص است که این کلمه مشتق از «گفتن» است. در واقع، «گویی» در این نقش دستوری، بیان‌کننده مفهوم وجهیت است. پالم (۲۰۰۱) وجهیت را ابزاری برای بیان دیدگاه گوینده نسبت به گزاره‌ای خاص می‌داند و وجهیت را به دو نوع وجهیت گزاره‌ای و رویدادی و وجهیت گزاره‌ای را به نوبه خود به دو نوع وجهیت معرفتی و گواه‌نمایی تقسیم می‌کند. وی اقسام و وجهیت معرفتی را وجهیت حدسی، وجهیت استقرایی و وجهیت مسلم می‌داند. منظور از وجهیت استقرایی، نتیجه‌ای ممکن براساس یک موقعیت و شواهد موجود است. کلمه «گویی» بیان‌کننده وجهیت استقرایی است؛ برخلاف دیگر زبان‌های جهان که در آنها فعل «گفتن» از رهگذر فرایند دستوری‌شدگی بیان‌کننده وجهیت گواه‌نمایی است (Heine & Kuteva, 2002: 345). شروع پیدایش این نقش برای کلمه «گویی» فارسی‌نو متقدم و از فعل «گفتن» است. البته، کاربرد فعل «گفتن» در فارسی‌نو متقدم در این نقش خیلی گسترده نیست. در زیر به نمونه‌هایی از این نقش اشاره شده است:

۱۰. و آتش گسسته است گویی آنجا خلاست یا هواست (ابن سینا، ۱۳۳۱: ۶۳).

۱۱. گویی سولاخ نگریستن شاید (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۸: ۲۸۸).

۱۲. گویی وی صرف خالص است (ابن سینا، ۱۳۳۱: ۶۳).

۱۳. این آن است که به حذر بیرون آوردن یک مرتبه یا بیشتر دست باز داری و

بگویی در جذر بیرون آوردن یکون لا یکون یکون (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۸: ۴۳). همان‌طور که مشخص است در همه موارد فوق، «گویی» با تغییر صورت از فعل «گفتن» مشتق شده است و مفهوم و جهت استقرایی را بیان می‌کند؛ زیرا مشخص است که گزاره‌های بیان‌شده قطعیت ندارند. در این‌جا دوم‌شخص به‌عنوان صورت بی‌نشان به‌منظور رمزگذاری «وجهیت» برگزیده شده است. زیرا در یک گفت‌وگو عدم قطعیت را گوینده سعی دارد بیشتر به مخاطب نشان دهد؛ بنابراین بسامد وقوع این فعل در این کاربرد زیاد و به صورت بی‌نشان تبدیل می‌شود.

«گفتن» در فارسی معاصر

در این بخش، به تفکیک، نقش‌های متفاوت فعل «گفتن» در فارسی معاصر را بررسی می‌کنیم. در این دوره، فعل «گفتن» با حفظ نقش‌های قبلی از رهگذر فرایند کاربرد‌ی‌شدگی به گفتمان‌نما تبدیل شده است.

«گفتن» در مقام فعل اصلی واژگانی

فعل «گفتن» همه ویژگی‌های خود را در مقام فعل اصلی واژگانی در فارسی معاصر از فارسی نو متقدم حفظ کرده است. برای نمونه در شواهد زیر شاهد اظهار معنای «بیان کردن» و «نامیدن» با استفاده از فعل «گفتن» هستیم:

۱۴. دکتر گفت دخترم تالاسمی مینور داره، دارم دق می‌کنم! (نی نی سایت).

۱۵. صادقانه بگویم انقدر کارش عالی است که کسی باور نمی‌کند او ناشنواست (وبلاگ دگرش).

۱۶. مادر تو در سخنان خود دقیقاً این جمله را گفتی که ای کاش خدا شهرتی و محبوبیتی را که به این بازیگر داده است، به ما داده بود (وبلاگ نمکستان).

در نمونه‌های بالا، معنای «بیان کردن» از فعل «گفتن» قابل استخراج است و در نمونه‌ها زیر شاهد معنای «نامیدن» از فعل «گفتن» هستیم:

۱۷. چرا به حضرت عباس باب‌الحوائج می‌گویند؟ (سایت خبرگزاری فارس).

۱۸. چه کسی قوی‌ترین است؟ به او می‌گوییم: خدا (سایت تبیان).

۱۹. مریدان به آنها آیت‌الله العظمی می‌گویند (وبلاگ رضا تاران).

همچنان در فارسی معاصر، فعل «گفتن» در ساخت غیرشخصی شرکت دارد. همان طور که قبلاً ذکر شد، فعل «گفتن» در ساخت‌های غیرشخصی، شخص خاصی را نمی‌رساند؛ یعنی فعل «گفتن» در این نقش صرف نمی‌شود و به صورت سوم شخص جمع به کار می‌رود^(۲). در زیر شواهدی از زبان فارسی معاصر آورده شده است:

۲۰. شش واقعیت تاریخی که در مورد آنها به ما دروغ گفته‌اند (برترین‌ها).

۲۱. می‌گویند تنهایی پوست آدم را کلفت می‌کند (وبلاگ ان‌پ‌امز).

۲۲. شش واقعیت تاریخی که در مورد آنها به ما دروغ گفته‌اند (برترین‌ها).

در شواهد فوق، فعل «گفتن» به هیچ شخص خاصی ارجاع نمی‌دهد. به همین دلیل این فعل تنها به صیغه سوم شخص جمع ظاهر شده است.

«گفتن» در مفهوم وجهیت

نقش دستوری‌ای که فعل «گفتن» به صورت «گویی» از فارسی نو متقدم با خود حفظ کرده، بیان مفهوم وجهیت استقرایی است. به این مفهوم که در مورد نتیجه گزاره‌ای قطعیت وجود ندارد. کلمه «گویی» در فرهنگ معین به‌عنوان قید شک و تردید ذکر شده است. شواهد زیر بر این ادعا صحت می‌گذارند:

۲۳. گویی از دهان گاو بیرون آمده (لغت‌نامه دهخدا).

۲۴. گویی همه خوابند (وبلاگ مستر شبانعلی).

۲۵. ترجیح می‌دهم طوری زندگی کنم که گویی خدا هست (وبلاگ گودریدز).

در نمونه‌های فوق، تمام گزاره‌ها براساس شواهد یا موقعیتی بیان شده و با وجود کلمه «گویی» هیچ قطعیتی برای وقوع آنها وجود ندارد و تنها محتمل‌اند.

کاربرد شدگی فعل «گفتن»

در فارسی معاصر فعل «گفتن» علاوه بر ایفای نقش‌های متفاوت که در بخش‌های قبل ذکر شد، کاربردی و به گفتمان‌نما تبدیل شده است. در این نقش جدید «گفتن» دو صورت «می‌گم» و «بگو» را دارد. اکنون با ذکر نمونه‌ای به بررسی ویژگی‌های کاربردی شدگی در مورد این جزء زبانی می‌پردازیم تا کاربردی شدگی فعل «گفتن» را براساس معیارهای کاربردی شدگی که قبلاً ذکر شدند، بررسی کنیم. به نمونه‌ای از کاربرد گفتمان‌نمایی این عنصر زبانی در زیر توجه کنید:

۲۶. نادر: این بازی چیه جناب سروان بگو پولو کجا برده (یه بلیت شانس، ۵۹: ۱۵).
در بخش مبانی نظری مقاله، اولین ویژگی‌ای که برای فرایند کاربردی‌شدگی ذکر شد، آزادی نحوی بود. در گفتمان فوق نیز گفتمان‌نمای «بگو» قابلیت جابه‌جایی دارد. در موارد زیر این ویژگی قابل مشاهده است:

۲۷. نادر: این بازی چیه جناب سروان پولو بگو کجا برده.

۲۸. نادر: این بازی چیه جناب سروان پولو کجا برده بگو.

۲۹. نادر: این بازی چیه بگو جناب سروان پولو کجا برده.

در هر سه مورد فوق، گفتمان‌نمای «بگو» به‌راحتی در گفتمان جابه‌جا شده و همچنان گفتمان (جمله) دستوری است.

ویژگی دومی که در مورد کاربردی‌شدگی این عنصر زبانی می‌توان متذکر شد، افزایش حوزه معنایی و کاربرد این گفتمان‌نما است؛ یعنی در این نقش این عنصر زبانی کل گفتمان را پوشش می‌دهد و نه یک جمله یا بند، مانند نمونه زیر از صورت دیگر این گفتمان‌نما (می‌گم):

۳۰. صابر: ای بابا، می‌گم من نمی‌خوام در این مورد صحبت کنم (پنج تا پنج، ۰۲: ۳۴).
همان‌طور که در گفتمان بالا (۳۱) مشخص است، گفتمان‌نمای «می‌گم» بر این نکته تأکید دارد که کل گفتمان اطلاعات جدید است و نه قسمتی از آن؛ یعنی هر دو بند «من نمی‌خوام» و «در این مورد صحبت کنم» اطلاعات جدید است.

جدایی نوایی این گفتمان‌نما از کل گفتمان که با یک مکث (،) کاملاً مشخص است، یکی دیگر از ویژگی‌های فرایند کاربردی‌شدگی است. در شاهد زیر جدایی نوایی گفتمان‌نمای «می‌گم» از کل گفتمان مشهود است:

۳۱. همایون: می‌گم، بالاخره چیزی نخوردیا (پنج تا پنج ۰۴: ۱۷).

آخرین ویژگی کاربردی‌شدگی که در نمونه‌های بالا نیز می‌توان مشاهده کرد، قابلیت حذف گفتمان‌نماهای «می‌گم» و «بگو» از گفتمان است. مانند نمونه‌های زیر که گفتمان‌نماها از آنها حذف شده‌اند:

۳۲. نادر: این بازی چیه جناب سروان پولو کجا برده.

۳۳. همایون: بالاخره چیزی نخوردیا.

۳۴. صابر: ای بابا، من نمی‌خوام در این مورد صحبت کنم.

بدون اینکه خللی در معنای گفتمان پدید آید یا اینکه گفتمان نادرستی شود، در نمونه (۳۳) شاهد حذف گفتمان‌نمای «بگو» و در نمونه‌های (۳۴) و (۳۵) شاهد حذف گفتمان‌نمای «می‌گم» از گفتمان هستیم.

در نتیجه، همان‌طور که از شواهد و بررسی پیکره پژوهش به همین صورت برمی‌آید، فعل «گفتن» در فارسی معاصر به گفتمان‌نما تبدیل شده است؛ به عبارتی، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نقش‌های «گفتن» در مقام گفتمان‌نما

«گفتن» در نقش گفتمان‌نما نقش‌های متفاوتی را بر عهده دارد. سه نقش متفاوت فعل «گفتن» در مقام گفتمان‌نما که در پیکره پژوهش مشاهده شد، عبارت‌اند از: شروع گفتمان، اشاره به اطلاعات جدید و تغییر موضوع. اکنون، به تفکیک نقش‌های مورد نظر را بررسی می‌کنیم:

الف) شروع گفتمان: با بهره‌گیری از این ریزنقش، گوینده شروع به صحبت کردن می‌کند. در زیر نمونه‌ای از کاربرد این گفتمان‌نما آورده شده است:

۳۵. می‌گم ببخشید آجی این شمارتونو بدین من یه موجودی بگیرم ماشینم بد جاییه (یه بلیت شانس، ۵۰: ۴).

در گفتمان فوق، «می‌گم» نقش شروع گفتمان را ایفا می‌کند. در پیکره مورد بررسی ده مورد از این نقش مشاهده شد.

ب) اشاره به اطلاعات جدید: از این گفتمان‌نما برای نشان‌دار کردن اطلاعات جدید در گفتمان استفاده می‌شود. نمونه‌های زیر از پیکره استخراج شده است:

۳۶. گل بانو: ما رو بگو که فک می‌کردیم تو افتادی تو هچل (عمو جان هیتلر، ۴۸: ۲۳).

۳۷. کارمند بانک: یه دقیقه به حرف بنده گوش بدین. نادر: یعنی می‌گم که چند دقیقه

دیگه پول اونجاست (یه بلیت شانس، ۲۳: ۱۲).

در مورد (۳۶)، گفتمان‌نمای «بگو» به اطلاعات جدید «فک می‌کردیم تو افتادی تو هچل» اشاره دارد. در پیکره، دو نمونه از کاربرد این گفتمان‌نما (بگو) در نقش اشاره به

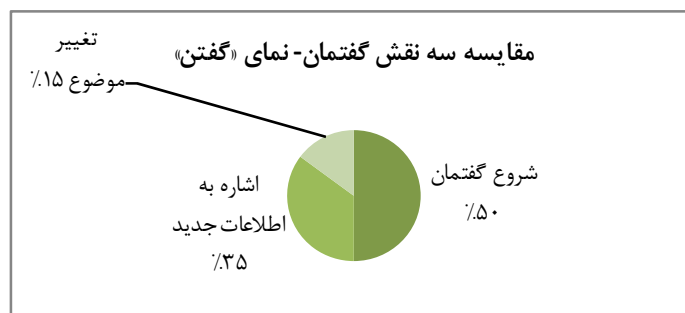
اطلاعات جدید و پنج مورد «می‌گم» در این نقش وجود دارد.

ج) تغییر موضوع: با استفاده از این گفتمان‌نما، گوینده موضوع بحث را تغییر می‌دهد. در نمونه زیر شاهد کاربرد این نقش از این گفتمان‌نما هستیم:
۳۸. فرشته: هوم، نادر: هوم چیه؟ می‌گم می‌دونی می‌خوام چی کار کنم؟ فرشته: نه (یه بلیت شانس ۴۶: ۴۶).

در گفتمان بالا، گوینده با بهره‌گیری از گفتمان‌نمای «می‌گم» موضوع بحث را به کلی تغییر داده است. سه نمونه از این گفتمان‌نما با این کاربرد در پیکره موجود است. به‌طور خلاصه، فعل اصلی واژگانی «گفتن» از رهگذر فرایند دستوری‌شدگی مفهوم وجهیت استقرایی را بیان می‌کند، سپس از رهگذر کاربردی‌شدگی به گفتمان‌نما تبدیل شده است. بررسی فرایند مسیر دستوری‌شدگی از فعل اصلی واژگانی به وجهیت از حوصله این پژوهش خارج و نیازمند پژوهش دیگری است. مسیر کاربردی‌شدگی فعل «گفتن» را در فارسی نو به‌صورت زیر می‌توان رسم کرد:

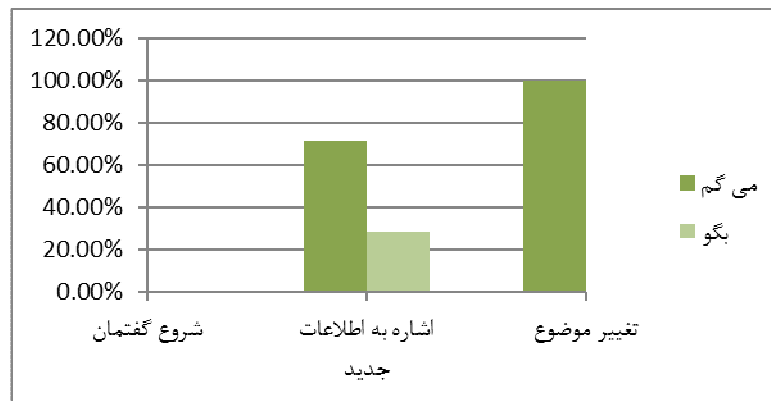
فعل اصلی واژگانی < گفتمان‌نما

از آن‌جا که نقش‌های گفتمان‌نماها بسیار متنوع و گسترده است، ممکن است نقش‌های دیگری را نیز برای گفتمان‌نمای «گفتن» در پیکره‌های دیگر بتوان قائل شد. در این‌جا، به مقایسه بسامد وقوع گفتمان‌نمای «گفتن» در سه نقش اشاره به اطلاعات جدید، تغییر موضوع و شروع گفتمان می‌پردازیم تا دریابیم که براساس پیکره کدام نقش را بیشتر ایفا می‌کند:



شکل ۱: مقایسه بسامد وقوع دو نقش گفتمان‌نمای «گفتن»

از نمودار فوق قابل استخراج است که گفتمان‌نمای «گفتن» با بسامد وقوع ۵۰٪ بیشتر، نقش شروع گفتمان را برعهده دارد. قبلاً اشاره کردیم که گفتمان‌نمای «گفتن» دو صورت «می‌گم» و «بگو» دارد. اکنون به تفکیک بسامد وقوع و نقش‌های این دو صورت را در قالب نمودار زیر به دست می‌دهیم.



شکل ۲: مقایسه بسامد وقوع دو صورت گفتمان‌نمایی «می‌گم» و «بگو»

براساس نمودار ذکرشده، صورت گفتمان‌نمایی «می‌گم» بسامد وقوع بالاتری از صورت گفتمان‌نمایی «بگو» دارد؛ به این دلیل که انسان به‌طور طبیعی در مورد خودش، بیشتر از دوم شخص صحبت می‌کند؛ بنابراین بسامد وقوع گفتمان‌نمای «می‌گم»، در صیغه اول شخص، از گفتمان‌نمای «بگو»، در صیغه دوم شخص، بالاتر است. همان‌طور که مشخص است، گفتمان‌نمای «می‌گم» در نقش شروع گفتمان و تغییر موضوع نسبت به گفتمان‌نمای «بگو» ۱۰۰٪ و در نقش اشاره به اطلاعات جدید ۷۱٪ مشارکت دارد. در مقابل، گفتمان‌نمای «بگو» تنها در نقش اشاره به اطلاعات جدید با بسامد وقوع ۲۹٪ در پیکره مشاهده شد.

در پایان می‌توان به این نکته اشاره کرد که بسامد وقوع کلی گفتمان‌نمای «گفتن» بین ششصد و هفت گفتمان‌نمای به‌کاررفته در پیکره، ۲۰۸٪ است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به بررسی سیر تحول فعل «گفتن» در فارسی نو پرداختیم. در فارسی نو متقدم معنای «بیان کردن» و «نامیدن» از فعل اصلی واژگانی «گفتن» قابل استخراج است. همچنین در همین دوره فارسی نو متقدم، فعل «گفتن» در ساخت غیرشخصی نیز شرکت می‌کند و این فعل واژگانی مفهوم وجهیت را نیز می‌رساند. با گذر زمان در فارسی معاصر، فعل «گفتن» با حفظ نقش‌های دستوری و واژگانی قبلی، کاربرد شده و به گفتمان‌نما تبدیل شده است. در این نقش جدید، دو صورت گفتمان‌نمایی «می‌گم» و «بگو» مشتق از فعل «گفتن» هستند و سه نقش اشاره به اطلاعات جدید، شروع گفتمان و تغییر موضوع را ایفا می‌کنند. البته، با بررسی پیکره‌های بیشتر، نقش‌های دیگری نیز ممکن است برای این گفتمان‌نما بتوان قائل شد. مسیر تحول فعل «گفتن» در زیر آمده است:

معنای دستوری و واژگانی < معنای کاربردی (با حفظ معنای قبلی)

↑ کاربردی‌شدگی

در واقع، شاهد تهی‌شدن فعل «گفتن» از معنای گزاره‌ای و کسب معنای‌های کاربردی هستیم. البته، این عنصر زبانی نقش‌های قبلی را نیز حفظ کرده است. این معنای جدید کاربردی، گفتمان را تنظیم می‌کنند و بر شرایط صدق و کذب گزاره تأثیری نمی‌گذارند.

پی‌نوشت

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد ساخت‌های غیرشخصی ر.ک: Thackston, Pisicoph, 1959
۲. برای تقسیم‌بندی ساخت‌های غیرشخصی در زبان فارسی ر.ک: اندرسن، ۱۹۴۱؛ شفاعی، ۱۳۶۳؛ متولیان نایینی و پرهام، ۱۳۹۵؛ مشکین‌فام، ۱۳۹۴).

منابع

- ابراهیمی، حمید [فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان] (۱۳۹۵) *عموجان هیتلر*، [فیلم سینمایی] ۹۰ دقیقه.
- ابن‌سینا (۱۳۳۱) *دانش‌نامه‌ی علایی (طبیعیات)*، تصحیح سید محمد مشکوة، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ابوریحان بیرونی (۱۳۱۸) *التفهیم*، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، چاپخانه بهمن و افست مروی.
- (۱۳۵۸) *سیدنه*، به کوشش منوچهر ستوده و ایرج افشار، تهران، شرکت افست (سهامی عام).
- آرام، یوسف و مهرداد مشکین‌فام (۱۳۹۷) *بررسی پیکره بنیاد گفتمان‌نمای «خب» در زبان فارسی*، *زبان‌شناسی اجتماعی*، شماره ۱ (سری جدید) صص ۹-۲۱.
- اسفزاری، ابوحاتم مظفر (۱۳۵۶) *رساله آثار علوی*، به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- آقایی، الف [فیلم‌نامه‌نویس] (۱۳۹۵) *یه بلیت شانس*، [فیلم سینمایی] کارگردان، محمود ابراهیمی، ۸۰ دقیقه.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۳) *تاریخ بیهقی*، به تصحیح علی‌اکبر فیاض و به اهتمام دکتر محمد جعفر یاحقی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- حیدری، ماهان [فیلم‌نامه‌نویس] (۱۳۹۲) *پنج تا پنج*، [فیلم سینمایی] کارگردان، تارا اوتادی، ۷۹ دقیقه.
- الخوینی البخاری، ابوبکر (۱۳۴۴) *هدایت‌المتعلمین فی الطب*، به‌اهتمام دکتر جلال متینی، مشهد، چاپخانه دانشگاه مشهد.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- شفائی، احمد (۱۳۶۳) *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران، نوین.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۵) *تکوین زبان فارسی*، دانشگاه آزاد ایران.
- فشندکی، شهره و فریده حق‌بین (۱۳۸۹) *زبان فارسی و ضمیر پوچ‌واژه‌ای*، پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۱.
- متولیان‌نابینی، رضوان و علیرضا پرهام (۱۳۹۵) *تحلیلی بین‌زبانی از ساخت‌های غیرشخصی در زبان فارسی*، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، س ۸، ش ۱۴، صص ۷۷-۱۰۹.
- نغزگوی‌کهن، مهرداد و مهرداد مشکین‌فام (۱۳۹۹) *از دستوری‌زدایی تا کاربردی‌شدگی*، *سیر تحول کلمه نقشی «پس» در فارسی*، *نامه فرهنگستان (ویژه‌نامه فرهنگ‌نویسی)* شماره ۱۴، صص ۷۴-۱۰۰.
- هدایت، صادق (۱۳۳۰) *حاجی آقا*، تهران، جاویدان.

- Russia.
- Bell, David M (2009) Nevertheless, still and yet, Concessive cancellative discourse markers, *Journal of Pragmatics* 41 (5), 915–920.
- Blakemore, Diane (1987) *Semantic constraints on relevance*, Oxford, Blackwell.
- (2002) *Relevance and Linguistic Meaning, The Semantics and Pragmatics of Discourse Markers*, CUP.
- Blakemore, Diane (1987) *Semantic constraints on relevance*, Oxford, Blackwell.
- Brinton, L and Traugott, E (2005) *Lexicalization and language change*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Brinton, L (2006) Pathways in the Development of Pragmatic Markers in English, In, Kemendale and Los (eds.) *The Handbook of the History of English*, 307-335, Oxford, Blackwell.
- Brown, Gillian (1977) *Listening to spoken English*, London, Longman.
- Croucher, S, M (2004) I uh know what like you are saying, An analysis of discourse markers in limited preparation events. *National Forensics Journal*, 21,38-52, Cited in,
- Erman, Britt (1987) *Pragmatic Expressions in English*, Stockholm, Almqvist & Wiksell.
- (1992) Female and male usage of pragmatic expressions in same-gender and mixed-gender interaction, *Language variation and change* 4:217-34.
- Even-Zohar, Itamar (1982) "The emergence of speech organisers in a renovated language, The case of Hebrew void pragmatic connectives", in, Nils Erik Enkvist (ed.), 179-193.
- Frank-Job, B (2006) A dynamic-interactional approach to discourse marker, In Kerstin Fischer (ed), *Approaches to discourse particles*, 395-413, Amsterdam, Elsevier.
- Fraser, Bruce (1990) An approach to discourse markers, *Journal of Pragmatics*, 14, 383-395.
- Haberlandt, K (1982) Reader expectations in text comprehension, In J.F, Le Ny and W, Kintsch (eds.) *Language and language comprehension*, Amsterdam, North Holland, 239–49.
- Halliday M, Hasan R (1976) *Cohesion in English*, London, Longman.
- Heine, B (2013) On discourse markers, Grammaticalization, pragmaticalization, or something else? *Linguistics*, 51(6), 1205-1247.
- Heine, B and Kuteva, T (2002) *Word lexicon of grammaticalization*, Cambridge, Cambridge university press.
- Holmes, J (1995) *Women, men and politeness*, London, Longman.
- Hopper, P, J (1991) On some principles of grammaticization, In, E, C, Traugott and B, Heine (eds), *Approaches to grammaticalization*, Vol.1, 17-35, Amsterdam/Philadelphia, John Benjamins.
- Levinson SC (1983) *Pragmatics*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Malchukov, A., & Siewierska, A (2011) *Impersonal constructions. A crosslinguistic*

- perspective, Amsterdam, Philadelphia, John Benjamins.
- Maschler, Yael (2009) *Metalanguage in Interaction, Hebrew Discourse Markers*, Amsterdam / Philadelphia, John Benjamins.
- Merritt, Marilyn (1984) On the use of okay in service encounters, In J, Baugh and J, Sherzer (eds), *Language in Use*, Englewood Cliffs, NJ, Prentice-Hall, pp, 139-47.
- Muller, Simone (2005) *Discourse markers in native and non-native English discourse*, Amsterdam/Philadelphia, JOHN Benjamins.
- Palmer 2001
- Palmer, F, R (2001) *Mood and modality*, Cambridge University Press.
- Pisicoph, L.S (1959) *Persian syntax*, Russia
- Schiffirin, Deborah (1987) *Discourse Markers*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Svartvik, Jan (1979) "Well in conversation", in, Sidney Greenbaum—Geoffrey Leech—Jan Svartvik (eds.), 167-177.
- Svartvik, Jan—Anna-Brita Stenström (1985) "Words, words, words, The rest is silence", in, Sven Bäckman—Göran Kjellmer (eds.), 342-353.
- Thackthton, Jr, M (1978) *An introduction to Persian*, Tehran, soroush press.
- Urgelles-Coll, Miriam (2010) *The Syntax and Semantics of Discourse Markers*, Great Britain, MPG Books Group.
- Zhao, Hongwei (2014) *Theory and Practice in Language Studies*, Vol, 4, No, 10, pp, 2105-2113, Finland, academy publisher.

<http://degaresh.com>
<http://farsnews.com/newstext>
<http://goodreads.com>
<http://mrshabanali.com>
<http://namakestan.net>
<http://ninisite.com>
<http://n-poems.blogspot.com>
<http://rezataran.ir>
<http://www.bartarinha.ir/>
<https://article.tebyan.net>